



صاحب امتیاز: شهرداری همدان
مدیر مسؤل: علیرضا معتمدزاده
سر دبیر: سیدحامد تروید
زیر نظر شورای نویسندگان

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح استان همدان

تلفن دفتر روزنامه:

نمابر تحریریه:

پیامگیر صوتی:

سامانه پیامک:

تلفن سازمان آگهی‌ها: ۰۹۱۸۹۰۲۰۱۲۰ - ۰۹۱۸۹۰۲۰۱۲۰

تلفن سازمان شهرستان‌ها:

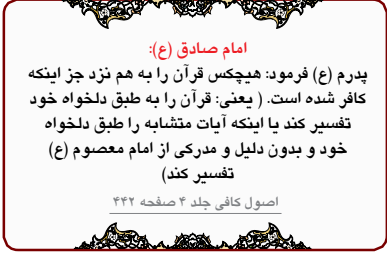
وبگاه: www.hegmataneh-news.ir

رایانامه: hegmataneh.newspaper@gmail.com

نشانی: همدان، میدان آرامگاه یوعلی‌سینا، محوطه تالار فجر

انتشار مطالب بیانگر دیدگاه صاحب اثر است و الزاما دیدگاه روزنامه نیست.

اوقات شرعی: اذان ظهر ۱۱:۴۸ غروب آفتاب ۱۷:۰۴ اذان صبح فردا ۵:۰۸ طلوع آفتاب فردا ۶:۳۴



**امام صادق (ع):**

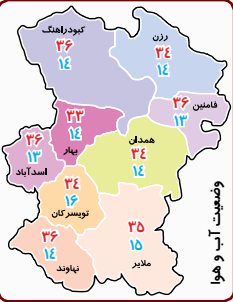
پدرم (ع) فرمود: هیچکس قرآن را به هم نزد جز اینکه کافر شده است. (یعنی: قرآن را به طریق دلخواه خود تفسیر کند یا اینکه آیات متشابه را طبق دلخواه خود و بدون دلیل و مدرکی از امام معصوم (ع) تفسیر کند)

اصول کافی جلد ۴ صفحه ۴۴۲

<b>قیمت سکه و ایز در بازار غیر رسمی</b>	
قیمت هر گرم طلا	۱۰۲۶۸۰۰۰۰
قیمت تمام سکه	۱۳۴۲۰۰۰۰۰
قیمت نیم سکه	۶۶۶۰۰۰۰۰
قیمت ربع سکه	۳۰۷۹۰۰۰۰۰
قیمت سکه یک گرمی دولتی	۲۰۵۲۰۰۰۰۰
<b>دلار</b>	۳۹۰۰۰
<b>یورو</b>	۴۷۰۸۹۰
<b>یوند</b>	۵۰۰۸۵۰
<b>درهم امارات</b>	۱۰۰۷۴۰
<b>ریال عربستان</b>	۱۰۰۴۰۰

هنگ مسگر چشم من آید توست
کرم نا و فود آ که نند نند توست
برفت نعل و خط از مغان بپوی دل
لطیفای جب زرد دام و بان توست
دست بر دل گل ای گل ما خوش به
که د چین بر گلگت مانتد توست
من آن کیم که دم نند تل بر خر تویی
در نخل بر بر تو و نند توست
تو تو چه کین ای شهور حسین کله
که تویی تو گلک رام نند توست
به های من که بئو بر تنه باز
از این گل که د نند نند توست
سرو نعت این گلک بر رخ آرد
که شرعاً حسین من نزد توست

منا



## میزمطالعه

**توسط دفتر نشر معارف منتشر شد**

## «خمینی؛ پدیده انسانی پیچیده»

**هگمتانه، گروه فرهنگی، کتاب «خمینی؛ پدیده انسانی پیچیده» با هدف آشنایی‌زدایی از تصویر عمومی شده رهبر کبیر انقلاب منتشر شد.**

کتاب «خمینی؛ پدیده انسانی پیچیده» تدوین مرحوم ...! نامداری از سوی دفتر نشر معارف منتشر شد.

در پژوهش اجتماعی - فرهنگی، اگر پژوهشگر بخواهد در مورد فرهنگی که خود بدان متعلق است مطالعه کند، آشنایی او نسبت به آن فرهنگ از یک سو برای کار او مزیت است و از سوی دیگر ممکن است مانع شناخت درست و دقیق دیدن نشود. روزمرگی و عادت ذهنی و رفتاری، پوششی بر زندگی می‌کشد که به راحتی قادر به دیدن آن نیستیم. ذهن

چیزهایی که به آنها عادت کرده‌ایم را از حوزه آگاهی خارج می‌کند و برای انجام و تکرار آن به توجه نیاز نداریم. در زبان شناسی، «آشنایی زدایی» روش و شیوه کشف و بیان معناست، ولی در پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی، آغاز پژوهش و طرح مسأله برای محقق است.

منطق‌گزینی بیانات و خاطراتی که در کتاب «خمینی؛ پدیده انسانی پیچیده» آمده است، مبتنی بر آشنایی زدایی از «تصویر عمومی شده» امام خمینی است. کتاب از سه بخش تشکیل شده است: مقدمه تدوینگر، بیانات امام خمینی و خاطراتی ناب از امام خمینی. این کتاب و کتاب قبلی این پژوهشگر، «جدال دو اسلام» از بهترین کتاب‌ها در معرفی اندیشه و سیره امام

### حرفهای صمیمه

**سبدهای مویز را از حیاط جمع می‌کرد، اتاق پر شده بود از سبدهای رنگارنگ. مادرش گوشه‌ای نشسته بود، با حوصله مویزها را پوش می‌گرفت و در بسته‌های بزرگ نایلونی می‌ریخت.**

زننگ در خانه به صدا در آمد. مادر گفت: حتما ترانه است.

در را بساز کرد. چند دقیقه بعد ترانه با کیف مدرسه‌اش وارد شد. لیخندی زد و سلام کرد. سرور که داشت سبدها را مرتب می‌کرد، گفت: سلام مادر خوبی؟ دیر کردی؟!

ترانه در حالی‌که کیف مدرسه‌ش را گوشه‌ای می‌گذاشت، گفت: خانم معلم آخر زنگ درباره بسته‌ها با من حرف زد، برای همین کمی دیر شد.

سرور گفت: دخترم مگر او هم از کشمش و مویزها می‌خواهد؟

### دانه‌های سرخ عشق

ترانه گفت: بله مادر، هم او و هم چند نفر دیگر از معلم‌ها گفته‌اند که ما هم از محصولاتن می‌خواهیم.

مادربزرگ لیخندی زد و گفت: دیدی بیخودی نگران بودی! گفتم که خدا خودش کمکمان می‌کند، این هم مشتری برای مویز و کشمش‌هایت.

سرور ابرویی بالا انداخت و گفت: ان شاء...

که جور شود. من تا آخرین بسته را نفروشم خیالم راحت نمی‌شود.

ترانه گفت: مادرجان من کلسی در فضای مجازی تبلیغ کرده‌ام، خیالت راحت باشد.

مادر لیخندی زد و گفت: ترانه برو لباسهایت را عوض کن، دست‌هایت را هم بشوی تا ناهار بخوریم. بعد از ناهار کارمان را ادامه می‌دهیم.

سفره ناهار خیلی زود جمع شد، همه مشتاق بودند که زودتر کارشان را ادامه دهند.

حیاط خانه مادربزرگ همیشه پرپرکت بود و حالا ماه رونق کار سرور شده بود.

آن حیاط قدیمی که خیلی وقتها فکر فروشش به سرشان زده بود حالا جایگاهی شده بود برای کسب و کار خانگیشان. گرچه نگرانی‌ها تمامی نداشت اما شروع این کار تازه قوت قلبی بود برای همه خانواده.

مادربزرگ با خنده گفت: ترانه جان بجنب از

من عقب ماندی ها!

ترانه نگاهی به کیسه نایلونی در دست مادربزرگ انداخت و گفت: شما دستنن خیلی فرزند است.

تا شب بسته‌ها آماده شده بود. مادر سبدهای خالی را گوشه انباری روی هم چید و بسته‌های آماده را در چند ساک بزرگ جا داد.

با مدرسه دخترش هماهنگ کرده بود که برای تغذیه بچه‌ها از مویزها و کشمش‌هایش فروخت؟

### عکس روز



### کاریکلماتور

### ساعت شنی تاریخ

کاریکلماتور نثر است. بازی زبانی دارد تا بتواند گفتنی‌ها را دیدنی کند.

کاریکلماتور طنز دارد و از نظر معنایی، صراحت دارد. از چند معنایی واژه‌ها سود می‌برد. کاریکلماتور، معمولا از بدبهیات و روزمرها و دم دستی‌هاست. سابقه‌ای در ادبیات کهن به عنوان یک ژانر ندارد. اما می‌شود نمونه‌هایی در نثر و نظم از آن پیدا کرد. در این ستون جملاتی به سبک کاریکلماتور آورده شده است.

\_\_کوبر، ساعت شنی تاریخ است.

\_\_خیاط لجباز، سر سوزن از تصمیمش پایین نمی‌آید.

\_\_زمان مثل برق می‌گذشت، تا چراغ زندگی‌اش روشن بماند.

\_\_باران، ته کفش‌هایم را گل باران کرد.

\_\_روز همیشه تسلیم شب می‌شود.

### آموزه‌های محمدی برای شهروند قرآنی